



شماره ششم، بهار ۱۳۹۵





کتابخانه مجلس شورای اسلامی



شمسه - هنر متعهد در خدمت هنر تراز انقلاب اسلامی - شماره ششم، بهار ۱۳۹۵  
هیأت جز هنر نیست!  
درنگی در هنر فضا سازی هیأت  
گفتاری از استاد ملتجی  
در چهارمین همایش هیأت های محوری و برگزیده کشور؛ قم المقدسه؛ اسفند ۱۳۹۳  
ویرایش و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه ای جامعه ایمانی مشعر  
صفحه آرا: حسن ناصری  
طراح جلد: سید مجتبی نبی زاده  
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)  
استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت ها، در صورت ذکر منبع آزاد می باشد.



جامعه ایمانی مشعر  
نشانی: قم، بلوار امین، کوچه ۱۰، پلاک ۲۰  
تلفکس: ۰۲۵ - ۳۲۹۲۸۹۵۱  
کد پستی: ۳۷۱۶۶ - ۳۷۱۵۱  
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲  
پایگاه اطلاع رسانی: www.۱۵۴۲.org  
رایانامه: info@۱۵۴۲.org

# بسم رب العلم

## تعریف هنر

کار فرهنگی در اصطلاح متداول بر چهار رکن دین، اخلاق، دانش و هنر استوار است. در اینجا منظور ما از دین همان اعتقادات می باشد که برای ما روشها را هم تعریف می کند. منظور ما از اخلاق، کرامت انسانی و بایدها و نبایدهاست. مراد ما از دانش، علم است و از هنر نیز زیبایی، ذوق و خلاقیت را اراده می کنیم؛

این تعریف و چهار چوب بندی از کار فرهنگی، طبیعتاً هیأت را نیز در بر می گیرد. بنابراین برگزاری هیأت نوعی کار فرهنگی محسوب می شود. پس هیأتی که کار فرهنگی نکند طبیعتاً از کارکرد اصلی اش خارج شده است.

البته این تعریف کمتر ارائه شده است، لذا خواهش میکنم راجع به آن فکر کنید.

در رابطه با هنر تعاریف متعددی وجود دارد. به عنوان مثال: هنر جوششی خود بخود و یا از سر

بیخودی یا شیدایی است که هرگز از آغاز با قصد تأثیر بر مخاطبان خاصی وجود پیدا نمی‌کند برخلاف آن چیزی که همه ما راجع به کار هنری دنبال تأثیرش هستیم، این جمله شهید آوینی است، ایشان نگاهش درواقع چنین نگاهی است. آن چیزی که شما از قبل برایش طراحی می‌کنید که آن تأثیر را بگذارید اسم آن را می‌گذارد تبلیغات، تبلیغات ناگزیر است از رعایت قدر عقل و ذوق مخاطب. هنر شیدایی حق همراه با قدرت بیان آن شیدایی است و هنرمند کسی است که آن را بیان می‌کند، هنر درواقع معراجی است از عالم محسوسات به عالم معانی و ...

در مضمون و محتوا عین تفکر حکمت و عرفان است و تنها در نحوه بیان و تجلی از آن متمایز است، با این تعریف علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی، مقام معظم رهبری و خیلی از آدم‌ها که می‌بینیم این‌ها هم هنرمندند. این تعریفی است که البته ما نتوانستیم در این ۳۶ سال در جامعه حاکم کنیم، یعنی تا می‌گوییم هنرمند همیشه انتظار یک چیز خارق‌العاده داشتیم، البته این آدم‌ها هم آدم‌های خارق‌العاده‌ای هستند، حالا یا سخنران است یا مداح است یا عکاس است یا فیلم‌ساز است، همه این‌ها هنرمند می‌شوند، با این نگاه تمام مداحان ما درواقع کاری که دارند انجام می‌دهند درواقع یک کار هنری است و این اصل بحث بنده است. همین است که ما دنبال یک واحد هنری در هیأت‌مان برگردیم کاملاً غلط است، هنر چیزی است که در تار و پود تمام اجزاء هیأت باید تنیده شده باشد، هنر مداحان را دیده‌اید، هرکدامشان بالاخره ذوقی دارند، سلیقه‌ای دارند، سخنران‌هایمان هنرمندند، از کارهای ظاهری که روی منبر و حین خطابه انجام می‌دهند گرفته تا نوع کلام و بیان‌شان و آن قدرتی که در بیان دارند، شاعر هیأت همین‌طور، قاری هیأت همین‌طور، حالا هیأت یک مدیر خلاق و هنرمندی نیاز دارد که این‌ها را درست کنار هم چیدمان کند و این نقش مدیر هیأت به نظر من نقش بسیار پررنگی است. آن ابتدایی که مشعر تأسیس شد نگاه این بود که هیأت درواقع سه رکن دارد و اول بر سه رکن طراحی کرده بودند، گفتند ذاکر یا مداح، سخنران یا خطیب و شاعر یعنی کسی که شعر مداح را می‌گوید یا این که خودش هم حتی اجرا می‌کند. ما آمدیم و بحث کردیم و گفتیم که نه، هیأت یک رکن دیگر هم دارد و آن مدیر

هیأت است، یعنی هر چه ما جلوتر داریم می‌رویم و همه علوم و همه اتفاقات اجتماعی تخصصی‌تر دارد می‌شود، حالا مدیر هیأت یک نقش ویژه‌ای دارد. اوست که سفره هیأت را می‌تواند پهن کند و طراحی کند، از چه سخنرانی استفاده کند، چه تبلیغاتی انجام بدهد و مدیر هیأت یک رکن بسیار تأثیرگذاری است. من فکر می‌کنم تأثیرگذاری مدیر هیأت از آن‌ها حتی بیشتر است، چون اوست که دارد جهت‌ها را طراحی می‌کند، بنابراین نقش مدیر هیأت در اینکه هیأت هنرمندانه اداره بشود نقش کاملاً ویژه‌ای است.

تعاریف هنر را خدمتتان عرض می‌کردم این چند تا تعریف را هم با هم بخوانیم؛ هنر کشف شهودی است با واسطه تخیل، تخیلی که آزاد از تعلقات باشد. هنرمند ملهم از غیب است و الهاماتی که به او می‌رسد با مراتب روحی او کاملاً متناسب است، برخی الهامات از ملائکه و برخی از شیاطین هست. اینجا شهید آوینی درواقع به دو بخش تقسیم کرده و آخرین جمله از ایشان این هست که اگر به میان مردم راه پیدا نکند آن هنر، هنر نیست. ایشان آن هنری که برای قشر خاص باشد به نام هنر را قبول ندارد.

این سه تعریف هم جزء تعاریف آکادمیک هنر است؛ هنر را معادل زیبایی می‌دانند هر چیزی که زیبا باشد، هر آنچه انسان را به خود جذب می‌کند، این را یک تعریف برای هنر می‌دانند. هنر وسیله پالایش، والا‌یی و اعتلاء روح آدمی است. هنر بیان احساس و عاطفه آدمی و برداشت او از زندگی و جهان هستی هست. این سه تعریف آکادمیک از هنر است لکن فکر می‌کنم آن تعریفی که برای هیأت به درد من و شما می‌خورد تعاریفی است که شهید آوینی از هنر ارائه کرده که خیلی نزدیک به واقع و نزدیک به نگاه ماست.

## طیف هیأت‌های مذهبی

خُب این را هم دوباره راجع به هیأت فرهنگی توضیح بدهم، من یک دسته‌بندی دارم راجع به هیأت‌ها، چون که حالا موضوع بحثمان نیست اینجا از آن می‌گذرم فقط برایتان اشاره می‌کنم، ما اعتقادمان این است که هیأت‌ها یک طیف هستند، حالا مثلاً طیف که می‌گوییم یعنی در واقع یک سر و تهی شاید داشته باشد که حالا ما پنج نقطه برایش تصور کرده‌ایم، هیأت‌های سنتی، هیأت‌های انقلابی به خصوص پس از جنگ، هیأت‌های عامه‌پسند یا به تعبیر بعضی هیأت پاپ، هیأت‌های فرهنگی و یک چیز دیگر به نام ابرهیأت. حالا هرکسی در این بُردار می‌تواند جای خودش را پیدا کند، امکان دارد دقیقاً هم مماس با این‌ها نباشد بین بعضی از این‌ها باشد، این‌ها را چون موضوع این جلسه و اینجا نیست فقط توضیح کلی می‌دهم و از آن می‌گذرم، من با هیأت فرهنگی‌اش کار دارم. **هیأت‌های سنتی** هیأت‌هایی است که سازمان‌دهی قوی دارد، حالا شما می‌توانید در ذهن‌تان این‌هایی که می‌گوییم را تطبیق بدهید ببینید همین‌طور است یا نه. هیأت سنتی به لحاظ ثباتش ثبات زیادی دارد یعنی هر کدام قدمت‌های سنگینی می‌تواند داشته باشد، مخاطبش زن و مرد است، در قالبش تقریباً بحث دین و سیاست از هم جداست، این ویژگی‌های هیأت سنتی است.

**هیأت‌های انقلابی پس از جنگ**، موضوع رزمندگی و جنگ در آن خیلی فعال است، سادگی در آن هست، ثباتش کم است، دین و سیاست با هم توأم است، مسائل اجتماعی برایشان مهم است، حماسه و مبارزه در آن نقش بسیار ویژه‌ای دارد، سازمان‌دهی‌اش تقریباً متوسط است، مخاطبش هم بیشتر جوانان هستند.

**هیأت‌های عامه‌پسند** یا پاپ هیأت‌هایی است که در آن تخلیه روانی بیشتر اتفاق می‌افتد، غریب دوران جوانی در آن خیلی پررنگ است، خیلی انعطاف‌پذیر است، ماندگاری‌اش کوتاه است، هنجارشکن است، تقریباً تک جنسیتی است، دین از سیاست در آنجا جدا از هم هست، این هیأت‌ها بعضاً حتی بدون سخنران است، حالا ویژگی‌های دیگر هم دارد.

**هیأت‌های فرهنگی** که مورد بحث ما است و به‌نظر بنده هیأت ایده‌آل هم همین است؛ این ویژگی‌ها را دارد: جوان‌گرایی، ولایی و انقلابی بودن، پویایی و به‌روز بودن، پاسخ‌گویی به نیاز مخاطب، با برنامه و هدفمندی و تربیت‌محور بودن؛ تربیت‌محوری یعنی در این هیأت مخاطب شناسنامه دار است و مدیر هیأت می‌داند که با چند نفر مخاطب سروکار دارد، تقریباً می‌شناسد، حالا آن‌ها که حرفه‌ای‌ترند حتی گروه‌بندی می‌شوند و خیلی دقیق‌تر است، اما می‌داند مخاطبش کیست و برای این مخاطب در طول سال برنامه دارد، می‌داند از نقطه الف با این مخاطب شروع می‌کند بعد از ۴ سال به نقطه ب می‌رسد، یعنی همه با هم به یک رشدی می‌رسند و این رشد بخاطر آن برنامه‌ریزی است که در واقع مدیران هیأت برایش دارند، این هیأت مستمر است یعنی مناسبتی نیست، بارویکرد تبلیغات و تظاهرات دینی است، تظاهرات دینی یعنی این‌که در بعضی از مسائل و شئون دین حتی می‌آید و اعلام موضع می‌کند، برنامه دارد و فضای موجود را به هم می‌ریزد، دارای تشکیلات سازمانی است، دارای برنامه و فعالیت فرهنگی جذاب به غیر از سخنرانی و مداحی است، یعنی سخنران و مداحی دارد اما فقط این دو تا آیتم نیست، در این هیأت‌ها خیلی مسائل دیگر می‌تواند باشد.

آن **ابر هیأت** هم که حالا توضیحش می‌گذرم، آن یک سازمان است دیگر، یعنی از هیأت فرهنگی هم رد شده و تبدیل به یک سازمان شده که کل یک شهر را می‌تواند تحت تأثیر قرار بدهد که حالا نمونه‌هایش را هم البته در کشور کم داریم.





## ابعاد فعالیت هنری در هیأت

خُب این کَل بحث بنده بود راجع به این چیزهایی که لازم بود ابتدا بدانیم، هنر را گفتیم، هیأت را گفتیم، کار فرهنگی را گفتیم، هیأت فرهنگی را هم گفتیم. حالا این هیأت فرهنگی می‌خواهد کار هنری انجام بدهد، من این ۶ بخش را آوردم اگر فکر می‌کنید که باید این‌ها را کم و زیاد کنیم بعداً بفرمایید تا این کار را انجام بدهیم. به نظرم ابعاد فعالیت هنری را ما باید در یکی از این ۶ مورد بیاوریم؛ یا در ارتباط با **اجرای برنامه** است، اجرای برنامه یعنی این که هیأت الآن تشکیل شده حالا تعبیر تلویزیونی‌ها می‌گویند مثلاً کنداکتور برنامه، به تعبیر نظامی‌ها می‌گویند سبین برنامه، به‌هرحال این چک‌لیستی که باید اتفاق بیفتد را به آن اجرای برنامه می‌گوییم، چه کار می‌تواند بکند؟

دوم **فضاسازی داخلی و خارجی** است، منظورم از فضاسازی آذین‌بندی هست که شما به آن دکور می‌گویید یا بعضی به آن تبلیغات می‌گویند که البته این تبلیغات نیست، تبلیغات جداسست. آن فضای داخلی هیأت از دم درب ورودی هیأت تا خود جلسه و کانون اصلی جلسه یک فضاسازی باید اتفاق بیفتد. سومی‌اش بحث **تبلیغات** است، در تمام اشل‌های مختلفی که تبلیغات دارد. چهارمی‌اش

**افراد هیأت** هستند. پنجمی اش **محصولات هیأت** است، اعتقاد داریم هیأت فرهنگی باید به جایی برسد که بتواند تولید محصول بکند. آخرین هم **برنامه‌های جنبی**، برنامه‌های جنبی البته اسم غلطی است که این را خودم قبول دارم اما واژه دیگری برایش پیدا نکردم، برنامه جنبی یعنی چیزی که حاشیه مسئله است، هیأت‌های امروزی و مدرن - مدرن که می‌گوییم نه به معنای مدرنیته - هیأت به‌روز جامعه، هیأتی که در سال ۹۳ و ۹۴ بخواید فعالیت کند قطعاً دیگر نمی‌تواند تک محصول باشد، تک محور باشد، هیأت فرهنگی که با جوان می‌خواهد ارتباط داشته باشد را عرض می‌کنم، یک وقت شما یک جمع دارید ویژه خودتان است ۲۰ - ۳۰ نفره و با هم عشق و حال می‌کنید اصلاً بحثش جداست، در را می‌بندید سه ساعت سینه می‌زنید، خیلی خوب، سخنران می‌آورد های های با او گریه می‌کنید، روضه خیلی آتشین سنگین می‌خوانید آن‌ها بحثش جداست؛ هیأت فرهنگی که می‌خواهد با نوجوان و جوان امروز ارتباط برقرار کند را دارم راجع به آن صحبت می‌کنم. آن وقت این محور ششم مهم است، برنامه‌های جنبی، یک چیزی مثل نمایشگاه‌ها یا هر اتفاقی که در حاشیه هیأت باید بیفتد، اگر مهد کودکی هست، اگر نمایشگاه کتابی است، اگر محصولات فرهنگی ای هست، یا هر چیز دیگری که شما اسم آن را بگذارید در محور ششم است.

هنر جدا از هیأت نیست، این را توضیح دادم. این یک نکته مهمی است که خدمتتان عرض کردم، جاری در تمام ابعاد، روش‌ها و شیوه‌های هیأت است، یعنی از تبلیغاتی که شما می‌کنید برای هیأت که دوستانتان و مخاطبان شما بلند بشوند بیایند، بحث هنر شروع می‌شود. یا به شکل مجازی این کار را می‌کنید یا کارت دعوت می‌زنید یا تبلیغات شهری دارید یا تبلیغات تلویزیونی است یا چهره به چهره اتفاق می‌افتد یا در شبکه‌های اجتماعی این کار انجام می‌شود یا هر چیز دیگر، از آنجا شروع می‌شود، تا وقتی مخاطب می‌آید دم درب هیأت می‌خواهد بیاید وارد بشود تا وقتی می‌آید در جلسه می‌نشینند تا وقتی که می‌آید بیرون تا هر چه که در حاشیه است، هنر در همه این‌ها باشد، هنر یک آیتم جداگانه‌ای نیست که بگوییم حُب به این قسمتش می‌پردازیم، این هم کار هنری هیأت شد، مثلاً یک نمایش در هیأت می‌گذاریم بگوییم این هم هنرش؛

## جلوه‌های هنر در هیأت‌های قدیم

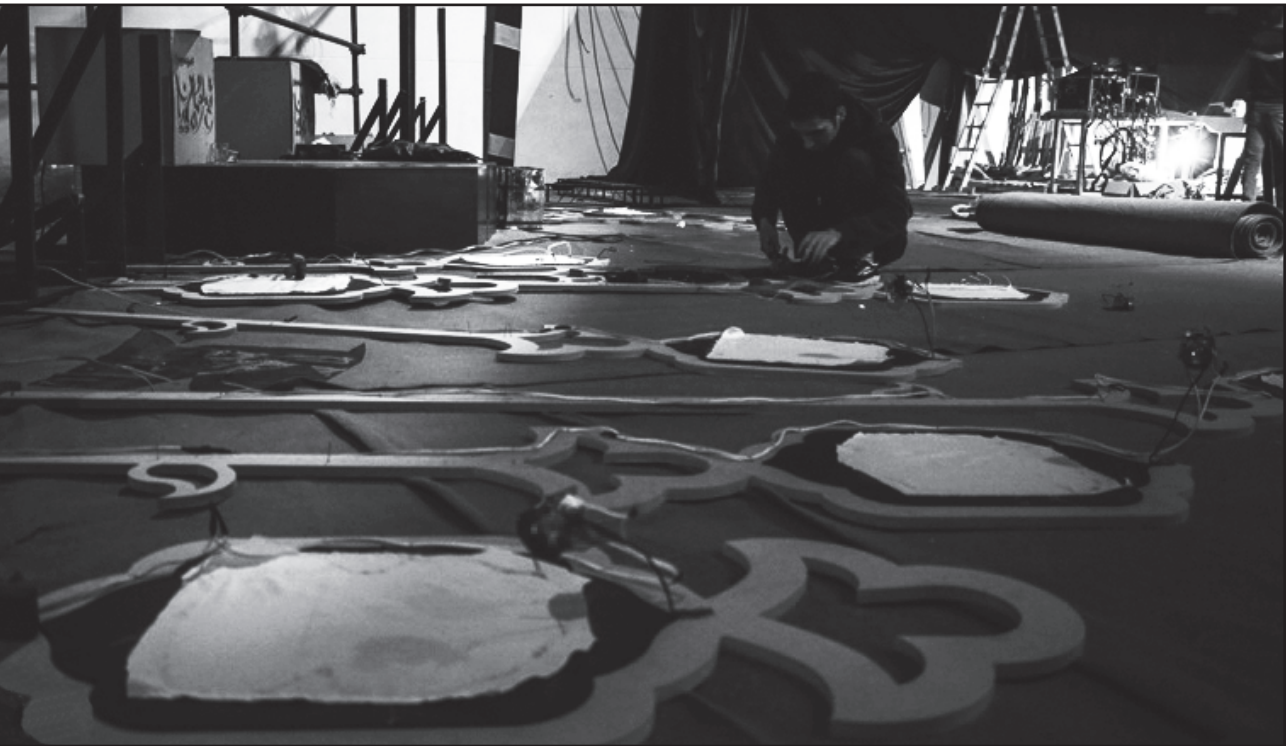
هیأت از مقوله اعتقاد، احساسی ناب، قدسی و والایی است. لذا بهترین‌ها در هیأت‌ها استفاده می‌شده، هنر در هیأت چیز جدیدی نیست، این را برای این آوردم چون بعضی‌ها که این بحث را طرح می‌کردیم فکر می‌کردند یک چیز جدیدی است، گفتیم نه این یک چیزی است که از قدیم بوده، قدمای ما و بزرگ‌ترهای ما همیشه وقتی که می‌خواستند در راه اهل بیت علیهم‌السلام وارد بشوند آنچه که ما از آن‌ها دیدیم حالا این قدر که سن داشتیم یا خواندیم و از دیگران شنیدیم این است که بهترین‌ها را برای اهل بیت علیهم‌السلام و حضرت اباعبدالله علیه‌السلام در واقع می‌گذاشتند، غذا می‌خواستند بدهند مثل غذاهای ما نبوده، بهترین غذا، در بهترین ظرف‌ها در بهترین شکل، اگر تزئینی می‌خواستند بکنند آداب داشته، یعنی سیاهی یک پارچه ساده نبوده، سیاهی یک شیء مقدس بوده که در بقچه‌هایی می‌پیچیدند با سلام و صلوات و مراسم می‌آوردند پهن می‌کردند، سیاهی‌ها را می‌بوسیدند خودشان می‌پوشیدند و با وضو مداح می‌خوانده و با اذکار این سیاهی‌ها را نصب می‌کردند، سیاه‌پوشی اصلاً یک چنین چیزی بوده که خوب الان اصلاً این نیست، دوباره شکلش به یک مراسمی برای مخاطب تبدیل شده، سیاه‌پوشی این بوده که به خودشان و در و دیوار آن سیاهی‌های مقدس را می‌پوشاندند و بعد از برنامه محرم با احترام

جمع می کردند، از بهترین پارچه‌ها بوده، از جنس‌های اصل بوده، اصلی که دارم می گویم منظورم این است که به طبیعت خیلی نزدیک بوده برخلاف آن کار غلطی که همه ما در آن افتادیم و داریم انجام می دهیم که از جنس‌های غیراصل استفاده می کنیم، که یکی از سمی ترین و بدترین بنرهایی است که چند سالی است در همه هیأت‌ها مد شده که حتی در بالاترین جای هیأت یعنی پس زمینه اصلی هیأت پشت سر سخنان و مداح می آید قرار می گیرد که یکی از غلط ترین کارهاست، چون اصلاً این جنس اصالت ندارد، جلسه اهل بیت علیهم السلام همه چیزش باید اصیل باشد. در حوزه طراحی فضا هم به نظر می رسد این است باید از چیزهایی که نزدیک تر به طبیعت است مثل پارچه، مثل چوب، مثل خیلی چیزها استفاده کرد، این بنر در واقع کارایی اش اصلاً چیز دیگری است، برای تبلیغات بیرونی است یا برای درواقع یک فضاهای اروپایی و غربی هم هست اصلاً خیلی نزدیک به فضای ما نیست. فرهنگ مجموعه‌ای است از یک سری آیتم‌ها از شیوه گفتار، رفتار، نوشتن، آداب و رسوم و ... . سبک زندگی‌ای که الان گفته می شود، مجموع این‌ها می شود فرهنگ. تعریف فرهنگ گفتن سخت است، علامه جعفری می فرماید که تا ۲۰۰ تا تعریف من برای فرهنگ در آوردم. تعریف فرهنگ را به این دلیل نیاوردم که وارد این مناقشه نشویم، اما آنچه ما با آن کار داریم در هیأت و کف هیأت می خواهیم کار کنیم به نظرم کار فرهنگی است که بالاخره این کار ما فرهنگی هست یا فرهنگی نیست.

اگر خواهیم خیلی استاندارد به مثلاً تعزیه، به عنوان یک هنر نمایشی نگاه کنیم، آن کاملاً در هیأت قابل بحث است، در این حد تا یک مداحی که می آید آن میمیک چهره اش را تغییر می دهد می تواند یک نوع نمایش تلقی بشود، صدایش فرق می کند می تواند آن تَن مداح به عنوان یک موسیقی تلقی بشود، برای همین چیزی باشد که ما از آن تعریف اصلی هنر خیلی دور نشویم که کارمان سخت بشود.

یک هیأت از آغاز و قبل از این که شروع می شود تا پایان تمام بخش هایش یک کار فرهنگی و یک کار هنری است، یعنی با حتی تعریف‌های بین المللی اش یعنی ما اگر تبلیغات هیأت‌ها را در وادی

گرافیک نگاه کنیم، تبلیغات در وادی هنر است، طراحی سنس را بخواهیم حساب کنیم طراحی سن در وادی هنر حرف دارد، شعرخوانی اش و یا ادبیاتش و شعرش را بخواهیم حساب کنیم در وادی هنر حرف دارد، در تزئین فضا یا حتی سفره‌آرایی در هنر صحبت دارد، به نظر من مجموعه هیأت یک مجموعه کاملاً هنری است، همه چیز هیأت کاملاً مطابق با هنر است.



## هنر فضا سازی در هیأت

مدیر هیأت مجبور است همه چیزها را بلد باشد، حالا چون بحث مدیر هیأت اینجا نیست به آن نمی پردازم، مدیر هیأت مجبور است اقتصاد بلد باشد، جامعه شناسی بلد باشد، همه اینها را باید بداند، اگر می خواهد مدیری باشد که هنرمندانه حرکت بکند و از خطوط قرمز خارج نشود پس مجبور است که اینها را بداند

نکته دیگر این که ما هنرمان هیأت است، یعنی این که می گویند سینما هنر است، هیأت نیز خودش هنر ماست، ما صنعت مان و هنرمان هیأت است، باید او را به سمتی ببریم تا بتوانیم طوری از آن استفاده کنیم که لازم هست. خب اگر امروز جوان موسیقی پاپ دوست دارد من هیأت ام را پاپ کنم، فردا جوان موسیقی رپ دوست دارد، روز دیگر راک دوست دارد، من که نمی توانم هر روز با او هماهنگ شوم، من باید هنر خودم را طوری به او عرضه کنم که او جذب بشود و ما باید دنبال یک راهکار باشیم که هیأت را که خودش ذاتاً یک هنر است چگونه زیبایی اش را به جوان نشان بدهیم، هیأت خودش ذاتاً زیبایی دارد.

مثلاً هیأت شما یک فیلم سینمایی ساخته، این ربطی ندارد، شما در عرصه سینما ورود کرده اید،

در خود هیأت چه کرده‌اید؟

من دارم می‌بینم که الآن بیشتر درگیر مسئله بحث داخلی هستیم، اگر اجازه بدهید یک مورد آن را باز کنم اصلاً ببینیم چه کارهایی می‌توانیم انجام بدهیم، مثلاً در فضاسازی و دکور حداقل ۲۰ محور دارم که فکر می‌کنم باید به آن توجه کنید، یک مورد آن را باز بکنیم اصلاً ببینید موافقت یا خیر؟ در فضاسازی و دکور تیتراهایش را خدمت شما عرض می‌کنم، اولی اش بحث **نمادسازی** در جلسه است که بعضی از دوستان گفتند یعنی این که ما از یک نمادهایی در فضای جلسه‌مان استفاده کنیم، این نماد را عرض کنم الزاماً در دکور شما نیست، یعنی ما همیشه فکر نکنیم که مثلاً باید در آن جلو و در ساتر جلو و در دکور این اتفاق بیفتد، این می‌تواند در بخش‌های مختلف جلسه باشد، حتی باز یک کار خلاقانه‌ای که می‌شود انجام داد این است که این نمادهایی که شما می‌گذارید می‌تواند متناسب با موضوع بحث‌تان باشد یا با موضوع آن شب، مثلاً ساده‌ترینش این است که برای شب حضرت ابوالفضل مثلاً از نماد مشک استفاده می‌شود، یا از نماد کوزه یا از نماد آب استفاده می‌شود، این را شما می‌توانید در یک بخش از جلسه رونمایی کنید، این یک اتفاق ویژه است که البته باز آن هماهنگی‌ها را می‌خواهد، پشت تمام این‌هایی که می‌خواهم بگویم مدیریت و هماهنگی هست، این که در بخشی از جلسه حالا در سخنرانی با هماهنگی سخنران یا در مداحی، از یکی از آن نمادهایی که دارید پرده‌برداری می‌کنید، یعنی نماد را حتماً لازم نیست ما از اول تا آخر جلسه جلوی همه قرار بدهیم، حتی بنده بعضی جاها دیده‌ام در دکور این کار را انجام داده‌اند، کار خوبی هم بوده یعنی روی نمادی که داشته‌اند کار کرده بودند، این دکور از اول تا آخر سخنران ثابت نبود، یا عوض می‌شد یا در بعضی مقاطع باز می‌شد افراد می‌دیدند و باز دوباره بسته می‌شد که به نظرم می‌رسد یک کار خوبی کردند. حالا در این نمادها چه چیزهایی می‌تواند باشد؟! از نمادهایی که به لحاظ فضای دینی ما نزدیک به حضرت اباعبدالله علیه السلام مجالس امام حسین علیه السلام یا حضرت زهرا علیها السلام هست تا چیزهایی که مرتبط با موضوع سخنرانی باشد.

نکته بعدی بحث **شعارنویسته‌های داخل جلسه** هست، یک چیزی که ما به آن دقت کردیم شما هم

حتماً دیده‌اید، وقتی در هر جلسه‌ای می‌روید می‌نشینید خب حالا سخنران دارد سخنرانی می‌کند یا مداح مشغول مداحی هست، اما بالاخره این مخاطب سرش در حال چرخیدن است دیگر، جاهای مختلف را می‌بیند، اصولاً خیلی هنر بکنیم فقط همان کادر جلو را می‌بینیم، در صورتی که بقیه فضای هیأت حالا هر جایی که هستیم و به هر شکلی که هست مهم است، البته بعضی جاها محدودیت داریم، اجازه نمی‌دهند اصلاً روی این کاشی دست بگذاریم یا کاری انجام بدهیم، این حالا یک محدودیتی است اما جاهایی که محدودیت نباشد به نظرم روی این هم باید فکر کنیم که در بعضی جاها من دیده‌ام در بعضی از هیأت‌ها در شهرستان‌ها یک سری شعارهای خاص را کار کرده بودند و در نقاط مختلف جلسه قرار داده بودند، البته یک نکته‌ای که اینجا خیلی مهم است این است که آن سادگی فضای هیأت به نظر می‌رسد خیلی مهم است، یعنی بی‌آلایش بودن و ساده بودن، این که ما در چند نقطه بتوانیم فقط شعارنوشته‌هایی داشته باشیم.

محور بعدی بحث **سیاه‌پوشی** است که قبلاً خدمت شما توضیح دادم، استفاده از رنگ یک‌دست خیلی مهم است، رنگ‌های زیاد در هیأت برای مخاطب اذیت‌کننده و آزاردهنده است، یعنی ذهن را مشوش می‌کند. اگر بتوانیم از رنگ‌های ساده‌تر استفاده کنیم یا کمتر از رنگ‌های ترکیبی استفاده کنیم، یک رنگ یا نهایتاً دو رنگ باشد، حالا در مجالس شادی ما می‌تواند یکی دو رنگ خاص باشد، در عزا هم درواقع می‌تواند این اتفاق بیفتد، بعضی جاها برعکسش را شما حتماً دیده‌اید که مثلاً کلکسیون و جشنواره‌ای از رنگ‌های مختلف با مضامین مختلف است، شاید در نگاه اول زیبا باشد منتهی این خسته‌کننده می‌شود، به‌خصوص هیأت‌هایی که می‌خواهند زمان زیادی برنامه داشته باشند باید در سیاه‌پوشی و استفاده از رنگ‌ها این دقت را داشته باشند.

**جایگاه مداح و سخنران** که حالا جایگاه سخنران طبیعتاً منبر است، به نظرم راجع به خود این می‌شود فکر کرد، در فضاهای مختلفی که شما دارید منبر را جایگاهش را می‌شود با آن کار کرد و مهم‌تر از آن مداح. ما الآن تقریباً دو مدل در مداحی داریم، یکی این کوچه باز کردن است که مداح آن جلو در کنار منبر هست، یکی هم مدل‌های متمرکزی که مداح در وسط جلسه هست، باز این

متناسب با نوع عزاداری‌ها متفاوت است، منتهی تقریباً برای جلساتی که دیگر هیأتی حرفه‌ای صد در صد نیستند اگر مداح در نقطه مرکزی باشد هم به لحاظ بصری خیلی زیباتر است، هم دید مداح و اشرافش نسبت به همه خیلی بیشتر است، ضمن این‌که نکات مثبت دیگر هم دارد، چون در این کوچه باز کردن‌ها خیلی افراد رو در روی هم دیگر هستند، چشم در چشم هم دیگر هستند و شاید خوب نتوانند آن طور که بخواهند با اشعار مداح ارتباط برقرار کنند و یا گریه کنند، در مدل‌های دایره به نظر می‌رسد شکل جلسه را یک شکل قشنگی می‌کند، از این زاویه که شکل جلسه زیباتر می‌شود با این کار دارم ضمن این‌که ما در فضای سنتی‌مان اصلاً رسم هم همین است که یک چهارپایه می‌گذاشتند مداح روی چهارپایه می‌ایستاد و همه دور او قرار می‌گرفتند، به نظر می‌رسد که این شاید مناسب باشد.

**بوی جلسه؛** من این را باز در فضای هنری‌مان آوردم، البته بوی جلسه را اخیراً شما به آن فکر می‌کنید، منتهی قبلاً که خیلی فاجعه‌بار بود و کاری نمی‌شد راجع به آن انجام بدهیم، فضاهای ما هم اصولاً در جاهایی است که استاندارد نیست یعنی سیستم تهویه ندارد، بوی جلسه را به نظرم باید برایش طراحی‌هایی کرد، البته امروزه دستگاه‌هایی هست که شما می‌توانید بگذارید و این مسئله را خیلی زیبا مدیریت کنید و این دیگر خیلی چیز پیچیده و سختی نیست. حالا این‌که این پورا از اسانس عطر استفاده کنیم یا هر چیز دیگری این را باید کار کرد، چون بعضی وقت‌ها بود مثلاً ما در جلسه خودمان بلد نبودیم مثلاً اسپند و کندر بوی خیلی خوبی دارد که البته یک ظریفی گفت کندر خیلی مربوط به فرهنگ ما نیست، یعنی می‌دانید به نوعی برای فرهنگ مسیحیت است، اسپند بیشتر برای فرهنگ‌مان است. منتهی خُب این را می‌آوریم در جلسه و بعد سخنران و مداح از ماجرا اطلاع پیدا می‌کردند و به هم می‌ریخت، منتهی این‌که هنرمندانه شما بتوانید بوی جلسه را کنترل کنید تا یک فضای مطبوعی ایجاد شود این خیلی مهم است.

**نور جلسه** مسئله مهمی است که ما کمتر به نورپردازی می‌رسیم، یعنی این قدر دغدغه‌های دیگر داریم یا اصلاً پول نداریم که به آن فکر کنیم یا در فضاهایی هستیم که کاری به نور نمی‌توانیم داشته

باشیم، که این هم خیلی تأثیر دارد یعنی طبیعتاً ما باید نور را در اختیار بگیریم. یک جلسه خوب و حرفه‌ای و با نگاه هنری جلسه‌ای است که همه چیز در اختیار شما باشد، البته یک نکته باید رعایت شود که این در اختیار شما بودن و تغییر شما و تأثیر شما بر فضا را مخاطب نباید احساس کند، یعنی مخاطب نباید احساس کند الان یک مرتبه صدا زیاد شد، یک دفعه کم شد، نور الان زیاد شد، نور الان کم شد، این آن هنرمندی است که باید در همه این موارد داشته باشیم که به این کمتر می‌پردازیم، البته شاید بخاطر این است که امکانات مان ضعیف است، منتهی در نور جلسه به نظر می‌رسد نور باید در اختیار شما باشد که امروزه با دستگاه‌هایی که هست این کار را به راحتی می‌شود انجام داد. نور باید ملایم بیاید باید ملایم برود، شما می‌خواهید نور را بگیرید و وارد فضای مداحی بشوید این که تق تق بزیم چراغ‌ها قطع بشود این یک مدلی است که مخاطب را به هم می‌ریزیم، اما این که سخنران الان دارد روضه می‌خواند خب چراغ‌ها قرار است کم بشود، این می‌تواند خیلی آرام انجام بشود که اصلاً مخاطب متوجه این نشود که از یک فضای روشن به فضای تاریک رفت یا بالعکس، این یک نکته است.

دوم، نورپردازی نمادهایی که گفتم در جلسه می‌گذارید این‌ها هر کدام می‌تواند باز نورپردازی خاص خودش را داشته باشد.

سوم، این که شما می‌توانید برای آیتم‌های جلسه نور تعریف کنید، یعنی چه؟ مثلاً یک مداحی چند بخش دارد؟ اول یا مدح است یا روضه، بعدش زمینه می‌خواند، بعدش واحد است، بعد شور است، بعد یک چیزی به نام سرود پایانی یا هر چیز دیگری که شما دارید. من پیشنهادم این است نور جلسه را شما برای هر پنج آیتم تعریف کنید، یعنی مدیر هیأت یا مسئول نور باید تعریف شده داشته باشند، بدانند که ما در بخش زمینه نور جلسه‌مان چیست، در بخش روضه نور جلسه‌مان چیست، در شور چه کاری می‌خواهیم انجام بدهیم، البته این‌ها که عرض می‌کنم نباید خیلی در چشم بزند، یعنی این که نورمان سبب بود قطع شد حالا یک دفعه قرمز شود، این اتفاق نباید بیفتد، اما این که برایش فکر داشته باشیم و آرام آرام این‌ها را در واقع وارد فضای جلسه بکنیم می‌دانید چه اتفاقی

می‌افتد؟ من این را در مخاطب تست کردم، حس خوبی دارند، اما نمی‌دانند دلیلش چیست؛ دلیلش خیلی چیزهاست، از امور معنوی‌اش گرفته تا این چیزهایی که ما حواس‌مان بوده و او نمی‌داند، در مجموعش آن فضا فضای مثبتی می‌شود.

مسئله بعدی **صدای جلسه** است که ما عمدتاً در هیأت‌ها مشکل داریم، صدا خودش خودش را نشان می‌دهد و این غلط‌ترین است، در نور این نکته را بگویم که عرض کردم منبع نور نباید دیده شود این یک قانون است، ما در عمده هیأت‌ها منبع نور را می‌بینیم، نور باید در جلسه باشد اما منبعش نباید مشخص باشد، کار هنرمندانه دیگر ما این است که صدا در جلسه باشد اما لازم نیست منبع صدا دیده بشود که امروزه شما در عمده هیأت‌هایی که می‌بینید به‌خصوص هیأت‌هایی که مداح‌های حرفه‌ای‌تر و سنگین دارند، دقیقاً در وسط جلسه شما می‌بینید پایه گذاشته‌اند، باندهای آن چنانی گویا جشنواره باند برگزار می‌شود حالا با مارک‌های مختلف و سازه‌های مختلفی که هست. خوب این کاملاً غلط است، اصلاً در فضای هیأت نباید باند دیده بشود، حالا این کار سختی است، البته راهکار دارد یعنی خیلی‌ها برایش راهکار طراحی کرده‌اند.

رنگ سفید که بیشتر برای معصومیت و پاکی استفاده می‌کنید، در بعضی از مناسبت‌ها می‌شود درواقع از آن استفاده خوب کرد، رنگ زرد استفاده خاص دارد. در جنگ‌ها مثلاً از این رنگ استفاده می‌شده‌است، می‌شود در هیأت در بعضی کارهای حماسی از این کار استفاده کرد، با این شرط که آن هماهنگی که خدمت شما عرض کردم اتفاق بیفتد.

محور بعد **درب‌های ورودی و خروجی** است، این یک کاری است که من آن را در بخش هنر در هیأت می‌گذارم، یعنی رئیس هیأت باید این هنر را داشته باشد تا درب ورودی را درست طراحی کند. الان این سألنی که امروز وارد شدید یکی از نکات غلطش درب‌هاست، درب ورودی کجا بود؟ هر نفر که وارد می‌شود تمام برمی‌گردند ببینند چه کسی می‌آید؛ یعنی کنار جایگاه درب ورودی را قرار دادند، اینجا درب زیاد دارد و متولیان می‌توانستند درب را جای دیگر باز کنند، می‌دانم سالن استاندارد نداریم، هیأت‌مان استاندارد نیست، مسجد استاندارد نیست، اما اگر مدیر حواسش به این

موارد باشد می‌تواند این را طراحی بکند، درب‌های ورود و خروج باید طراحی درست داشته‌باشد، این یک نکته دیگر که می‌دانید بهترین جایش آخر جلسه است، یعنی هر که به جلسه اضافه می‌شود نباید حواس دیگران را به هم بریزد.

نکته بعدی رابط بین ورود و نشستن افراد هست، این یک کار ظریف و هنری و روان‌شناسی است، درب هیأت نباید صاف در خیابان باز بشد ولو این که درب مکانی که داریم صاف در خیابان باشد، ما باید یک فضای بینابینی طراحی بکنیم که حالا عمده جاها این راهروهایی که طراحی می‌کنید شاید کارکردش را ندانند اما این کارکرد را دارد که ذهن فرد را از فضای جامعه جدا می‌کند، یعنی ما باید یک فرصت ایجاد کنیم تا مخاطب خودش را از فضای بیرونی جدا بکند و وارد فضای هیأت بشود، ما خیلی از برنامه‌های بزرگ‌مان را در سالن‌های ورزشی می‌گیریم، خوب ما باید فضا را به گونه‌ای طراحی بکنیم که مخاطب اصلاً نباید متوجه بشود که دارد وارد سالن ورزشی می‌شود، این طور باید طراحی بشود که دارد وارد یک تکیه یا حسینیه می‌شود، این طراحی فضای ماست که می‌تواند این کار را برای مخاطب انجام بدهد؛

**جنس مواد استفاده‌شده در هیأت** را توضیح دادم این باز خیلی مهم است که ما از موادی استفاده بکنیم که به طبیعت نزدیک‌تر هستند که حالا پارچه بهترینش است که به مرور دارد کم می‌شود، چوب و خیلی چیزهای دیگر مثل حصیر یا موارد دیگر نیز هست. سعی کنیم جنس‌های بیگانه را در فضای اصلی هیأت‌مان نیاوریم و راه ندهیم؛ استفاده از یک چیزهایی که در جلسه شکوه و عظمت ایجاد بکند باشد که یک‌بخشی‌اش در طراحی و دکور ماست.

یک نکته هم راجع به **موسیقی** بگویم، حالا خیلی هم بحث پرتنشی دارد. ما یک جلسه‌ای خدمت حضرت آقا داشتیم در آن جلسه یکی از سؤالات ما همین بود که ما بالاخره موسیقی را در هیأت چکار کنیم، حالا دلیلش هم این است که ما مثلاً در هیأتی که داریم از یک کاری استفاده می‌کردیم به نام برنامه ترکیبی و این برنامه ترکیبی یکی از محورهایش مسئله موسیقی است، یعنی برنامه ترکیبی‌مان موسیقی دارد، منتهی موسیقی‌اش موسیقی رعایت شده است، یعنی وقتی شما گوش

می‌دهید صدای ساز نمی‌شوید که مثلاً یکی دارد تنبک می‌زند یا مثلاً صدای تار است، اما بالاخره یک ترکیب موزونی دارد بیشتر به آن می‌گویند پد صدا و واقعی هم بخواهیم نگاه کنیم بالاخره موسیقی است. ایشان نکته‌ای که داشتند این بود که حالا در مصداق خود ما، پاسخ ما را دادند اما یک کلیتی به ما دادند و گفتند اولاً کاری نکنید که باعث بدعت بشود، این خیلی مهم است. دوم اینکه این طور نیست که از ابزار جدید استفاده نکنید، بعد ایشان مثال زدند که مثل چاپ سنگی، یک زمانی چاپ سنگی بود بعداً بالاخره علم پیشرفت کرد دستگاه‌های چاپ تغییر کرد، پس بنابراین شما قرار نیست در یک نقطه بایستید، این خلاقیت را انجام بدهید اما مواظب باشید آن بدعت‌گذاری نشود. باز یک مثالی ایشان زدند که مثلاً در دسته‌جات عزاداری از بعضی از آلات موسیقی استفاده می‌شود اما شما تصور کنید یکی مثلاً یک گیتاری بی‌بورد بخواهد در هیأت و در دسته عزاداری این کار را انجام بدهد، این خُب یک بدعتی در این مسئله است، اما در آن حدی که در عرف اتفاق می‌افتاده اشکال ندارد، این چیزی بود که ما از خود ایشان شنیدیم راجع به کار مصداقی که در هیأت انجام می‌شود، نه این که یک سؤال عمومی بکنیم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم





### هیأت تراز انقلاب اسلامی،

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت کرد، همان هیأت‌الگوی که گوشه گوشه و لحظه لحظه‌اش باید مورد رضایت امام عصر<sup>علیه السلام</sup> باشد. هیاتی که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیاتی آماده حضور و ظهور...  
ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیاتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید، اما لازم است و ضروری...

\*\*\*

شمسه می‌کوشد تا شاید بتواند برخی از ابعاد تجلی «مارأیت الا جمیلا» را در هیأت تراز انقلاب اسلامی بررسی کند. ششمه آمده است تا هنر متعهد را در مسیر رسیدن به هیأت تراز انقلاب اسلامی، به خدمت همه دوستان هیأتی درآورد.



کتابخانه اهل بیت و نهضت خاورمیانه



۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱  
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲  
www.1542.org  
info@1542.org